

## در اوج انتظار

علی مظاهری

روزنامه‌نگار

کتاب فاخر میکال المکارم در هشت بخش تألیف شده و مؤلف ژرف‌اندیشی با استناد به آیات و روایات، موضوعات اساسی و سرنوشت‌سازی را با دقت نظر کاوش و پژوهش کرده که بیشتر جنبه کاربردی و انسان‌ساز دارد و مورد ابتلای پیروان اسلام ناب محمدی است.

بخش اول کتاب به لزوم شناخت امام زمان (عج) از دیدگاه عقل و نقل می‌پردازد. بخش دوم به اثبات وجود حضرت حجت (عج) اختصاص دارد که شامل سه بخش ویژه است و هر کدام با استناد به آیات، روایات و معجزات، بحث‌های گرانسنگی تقدیم خوانندگان می‌کند.

پاره‌ای از حقوق و توجهات آن حضرت بر شیعیان در بخش سوم به صورت مختصر و مفید بحث شده است.

از بخش‌های مهم و گسترده کتاب که روشنگر درجات و ویژگی‌های آن حضرت است، بخش چهارم است که انگیزه بخش دعای پیروان برای امام غایب می‌شود. ابتکار عمل مؤلف در نویسنده‌گری را می‌توان در این فصل به عینه دید؛ مانند بخش بندی الفبایی مداخل‌ها چنان‌که در حرف «شین» با موضوعات شجاعت، شفاعت، شهادت و شرافت آن حضرت یا در حرف «غین» با غیبت، غربت آن حضرت و غلبه جهانی و غنا (بی نیازی مؤمنان به برکت ظهور) و... با استناد به آیات و روایات آشنا می‌شویم.

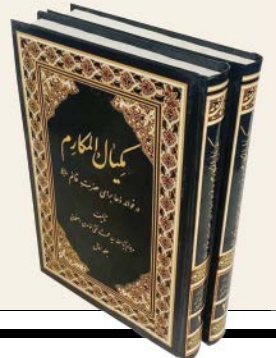
ثمرات و نیک‌آمدها گوارای دعا برای فرج حضرتش بخش پنجم میکال المکارم را با شمیم و حیانی احادیث و قرآن و بحث‌های جذاب و جالبی آکنده است.

بخش ششم تحقیقی گسترده به ۵۰ زمان و هشت مکان اشاره می‌کند که به دعا در آنها عنایت و تأکید شده است؛ زمان‌ها مانند پس از نمازهای واجب، در سجده، روز پنجشنبه، شب جمعه، در خطبه نماز جمعه، شب و روز نیمه شعبان، هنگام غم و اندوه، بعد از ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام، ایام... غدیر، عرفه، عاشورا، دحوالارض، نوروز و... و مکان‌ها: مسجدالحرام، عرفات، سرداب غیبت و....

بخش هفتم میکال، چگونگی دعا برای تعجیل ظهور را در سه مقصد روشن کرده؛ در مقصد اول، مؤلف با ۲۰ تذکر، به آداب دعا می‌پردازد. مقصد دوم نیز با ۲۰ تذکر به چگونگی دعا برای تعجیل بسنده می‌کند و مقصد سوم، دعا‌هایی را بررسی و نقد کرده که در این باره از امامان معصوم (ع) نقل شده است.

آخرین بخش کتاب به وظایف و تکالیف پیروان اسلام ناب محمدی در پیشگاه مقدس مهدوی می‌پردازد. چیرگی و تبحر مؤلف به کتب روایی و تفسیری در این بخش چشمگیر است. توجه به ۸۰ وظیفه معتقدان در بخش هشتم به چشم می‌آید. همانند: انتظار فرج، اظهار شوق دیدار، درخواست معرفت، هدیه نماز مخصوص، صله دادن برای امام، خاکساری و خشوع در هنگام یادآوری، خوش اخلاقی، حفظ زبان نزد اغیار و...

این کتاب گرانسنگ که شیوه‌ای ابتکاری دارد، مورد استقبال رجال علمی، پژوهشگران و مردم بوده و است؛ نخستین بار سال ۱۳۶۹ق در یک جلد با ۵۸۷ صفحه و بار دوم سال ۱۳۹۷ق در دو جلد در اصفهان به چاپ رسید. چاپ سوم آن به صورت افست با تحقیق و اضافات مؤسسه الامام‌المهدی در سال ۱۳۶۳ش برابر با ۱۴۰۴ در قم چاپ شده.



قصه‌های  
کتاب

داستان

گفت‌وگو

گزارش

یادداشت

نقد

ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه‌شنبه، ۲۷ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۲۸۲

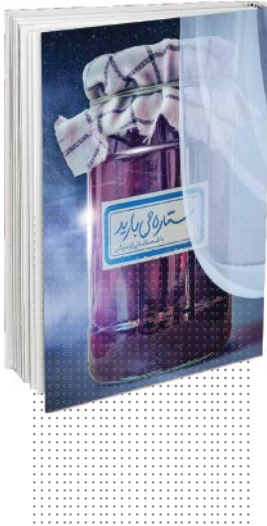
چند خط برای رمان «ستاره می‌بارید» به قلم فاطمه سلیمانی از ندریانی

# در اتاق بی‌روزن

هر فصل ستاره می‌بارید با آیه‌ها و دعا‌هایی شروع می‌شود که محبوبه یا یکی از شخصیت‌ها، زیر لب می‌خوانند و نویسنده حواسش بوده که ذکر و آیه‌ای انتخاب کند که مفهوم آن گره بخورد به حال‌وهوای آن فصل.

شخصیت‌های رمان، به‌خاطر زیستن و تربیت شدن در خانواده و فامیلی متدین و مذهبی، همه شخصیت‌هایی باورمند هستند. پسرهای رمان، آرزوی رفتن به جبهه را دارند؛ همان‌طور که دیده‌اند برادر و مردان فامیل قبل‌راهی جبهه شده‌اند.

«نه، مَرَدَمِ دیگه، باید مثل بقیه مردهای خونه برم جبهه.» «مرد، جبهه، اگه رضایت من رومی‌خوای، من نه راضی‌ام، نه راضی می‌شم. همون داداشت رفت، برای هفت‌یستم بسه، نمی‌تونم وایسم ببینم تو هم بری برنگردی. اگرم اختیارت با باباته که هرجا دوست داری برو.»



## زن‌های دغدغه‌مند

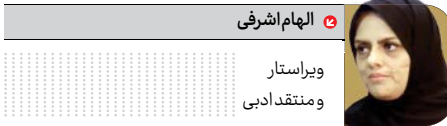
شخصیت‌های زن رمان، زن‌هایی‌اند که نمی‌توانند مستقیم در جبهه حضور داشته باشند اما دغدغه‌مند هستند و در یاری رساندن و کار کردن در پشت جبهه به محبوبه بسیار کمک می‌کنند.

«... ولی کار جبهه را تعطیل نکردیم. نمی‌دانم کار باعث می‌شد فراموش کنیم یا خیال می‌کردیم اگر ما خیاطی نکنیم، بافتنی نبافیم و مربا نیزیم، بچه‌ها توی جبهه بی لباس می‌مانند یا بی غذا.»

محبوبه همین‌طور که مثل یک زن و مادر خانه‌دار از روزمرگی‌های زندگی، آن‌هم یک زندگی کم‌امکانات دهه شصتی روایت می‌کند، همین‌طور که ذره‌ذره و مویه‌کنان از رفتن مردان زندگی‌اش به جنگ و تبعات نبودن آنها و غصه خوردن‌های شبانه‌روزی‌اش روایت می‌کند، همین‌طور که از نگاه مردانه نسل قبل از خودش، برادرها و پدرشوهرش روایت می‌کند، خواننده را با فضا، مکان و حال و هوای تهران درگیر جنگ و مردمش در دهه ۶۰ شمسی آشنا می‌کند. اثر را که می‌خوانی، متوجه می‌شوی خانم فاطمه سلیمانی از ندریانی برای درآوردن فضا سازی دهه ۶۰ از المان‌های آن دهه به دقت و با تحقیق بهره برده و در ارائه آن حال و هوا موفق عمل کرده است.

ستاره می‌بارید، اثری با حال و هوای جنگ ایران و عراق و نه در تقدیس جنگ بلکه در تقدیس دفاع است؛ دفاع از آب‌و‌خاک کشور، در تقدیس از حس همدلی و پشتیبانی از کسانی که از کبان وطن دفاع می‌کنند است؛ جنگی که به ناحق آغاز شد و بی هیچ تبلیغات و بی هیچ فراخوانی جوانان کشور برای دفاع از مرزها و جان خود و زن و بچه‌های‌شان راهی جبهه‌ها شدند.

رمان را نشر ۲۷ منتشر کرده است؛ نشری که در چاپ و نشر آثار دفاع مقدس شهره است و این اثر هم اگرچه در قالب رمان، باز هم به مقوله دفاع از کشور با محوریت کمک‌های مردمی در پشت جبهه پرداخته است.



الهام اشرفی

ویراستار

و منتقد ادبی

«چرا یک‌هو بمب ترکیب وسط زندگی‌مان؟ چرا این‌طوری پخش و پلا شدیم؟ اگر همین قند شکستن‌ها و مربا درست‌کردن‌ها برای جبهه نبود، دیوانه می‌شدم. سرم به کار که گرم بود، فکر و خیال کمتر به سرم می‌زد.»

شاید همین دو سطر از روایت رمان «ستاره می‌بارید» گویای درونمایه رمان باشد؛ رمانی با محوریت سال‌هایی که مردم ایران در کشاکش جنگ هشت‌ساله ایران و عراق روزگار می‌گذراندند؛ سال‌هایی که مردم از طرفی در تنگناهای معیشتی، دوران اجناس کوپنی و صف‌های طولیل روزگار می‌گذراندند و از طرفی دیگر جوانان و حتی نوجوانان، گروه‌گروه راهی جبهه‌های جنگ می‌شدند و خانواده‌های‌شان نگران، مضطرب، غمگین، چشم انتظار و البته با شجاعت روزگار می‌گذراندند.

## روایت گوشه‌ای از آن کمک‌های پشت جبهه‌ای

ستاره می‌بارید، روایت همان سال‌هاست؛ همان سال‌هایی که خیلی از ما جنگ ایران و عراق را از طریق گوش سپردن به اخبار داخلی و خارجی از رادیو یا در پناهگاه‌های سست خانه‌ها یا در دالان‌های تاریک و ترسناک پناهگاه‌های مدارس رصد می‌کردیم و می‌ترسیدیم، همین کنار گوش ما، شاید هم در همسایگی خیلی از ما، زن‌هایی بودند که بی‌توجه به شرایط سخت جنگی، برای دل خودشان و برای این‌که کمکی به رزمندگان کنند، در کار دوخت و دوز لباس رزمندگان و پختن غذاهای نیمه‌آماده، مربا، شکستن قند و... بودند؛ کارهایی که همان سال‌ها به کمک‌های «پشت جبهه» معروف شد. ستاره می‌بارید، روایت گوشه‌ای از آن کمک‌های پشت جبهه‌ای است.

محبوبه؛ شخصیت اصلی و راوی رمان است. او یک زن جوان و یک مادر دلسوز، فعال، خانه‌دار و زحمتکش است؛ زنی که علاوه بر خانواده پرجمعیت خودش، نگهداری و رتق و فتق امور خانه و خانواده پرجمعیت همسرش را هم به عهده دارد. محبوبه علاوه بر رسیدگی به دو خانواده، دغدغه جنگ، جبهه و رزمندگانی که رفته‌اند یا شهید و اسیر شده و برنگشته‌اند را هم دارد؛ چرا که چند نفری از اعضای خانواده و فامیلش یا به جبهه رفته‌اند یا قصد رفتن به آنجا را دارند. محبوبه، زنی است که شروع می‌کند به فعالیت در پشت جبهه و بعد شروع می‌کند به جمع کردن زنان دوست و آشنا و زنان مسجد برای کمک‌رسانی به جبهه که باید خوانند. جنگ‌ها سر میز بزرگان شروع می‌شود و بعدها؛ زمانی که تب و تاب‌شان فروکش کرد، هنرمندان در فرمت‌های ادبی، سینمایی، تصویری و... به آن می‌پردازند؛ برخی در تقدیس جنگ‌ها و برخی دیگر در نکوهش جنگ‌ها. رمان ستاره می‌بارید، اثری است در تقدیس جنگ؛ جنگی که به واسطه حمله و نفوذ ناعادلانه عراق و در دفاع از خاک و جان میهن صورت گرفت.

## ادبیات جنگ؛ ادبیات ضد جنگ

طبق یک نگاه کلی؛ ادبیات جنگ، ادبیاتی است که در آن جنگ به عنوان یک پدیده، نقش مهمی در سیر تحول فکری و روحی نویسنده و شخصیت یا شخصیت‌های اصلی اثر ایفا می‌کند و از آثاری که در آنها جنگ به عنوان یک پدیده مقدس، نقش محوری در تکامل فکری نویسنده دارد، باید به عنوان ادبیات جنگ یاد کرد و از آثاری که در آنها به شرح دردها و رنج‌های افراد درگیر در جنگ پرداخته می‌شود، باید به عنوان ادبیات ضد جنگ نام برد. از طرفی یکی از مسائل مهم در نقد خواننده‌محور، بررسی چگونگی ادبیات یک متن و ارتباط آن با فهم خواننده از متن است. منظور از این نوع ادبیات، دقیقاً نوع زبان، انتخاب و چینش کلمات و ارجاعات متنی نویسنده است.